

ویژگی‌های مختص به فرهنگ در ارزش‌های ایرانیان: بررسی در سه نمونه از سه نسل

Culture-Specifics in Iranian Values: A Study in Three Samples of Three Generations

Mohammad Taghi
Delkhamoush
Islamic Azad University
South Tehran Branch

Mehrnaz Ahmadi
Mobarakeh, PhD
Islamic Azad University
South Tehran Branch

مهرداد احمدی مبارکه
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

محمد تقی دلخמוש
مری دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

چکیده

این مطالعه ویژگی‌های مختص به فرهنگ ارزش‌های ایرانیان را شناسایی و خاستگاه‌های الگوی ارزشی خاص آن را بر حسب تأثیرهای علی شرایط اجتماعی-سیاسی تبیین می‌کند. در سه مطالعه مجزا، سه گروه سنی (۱۵-۱۷ سال، ۱۵۳۲ نفر؛ ۱۸-۲۶ سال، ۶۰۰ نفر؛ ۲۴-۶۲ سال، ۸۲۱ نفر) با «زمینه‌یاب ارزشی شوارتز» (شوارتز، ۱۹۹۲) و نسخه ۴۰ ماده‌ای «پرسشنامه تشبیهی ارزش» (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱) ارزیابی شدند، و از خلال «تحلیل‌های جداگانه کوچک‌ترین فضا» در باب روابط ساختار ارزشی برای هر نمونه و مقایسه آن با الگوی اصلی (ارزش‌های بنیادی انسانی؛ شوارتز، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴) تفاوت‌های بین‌فرهنگی محتمل بازنمایی شد. آن چنان که انتظار می‌رفت مواردی از انحراف از الگوی نظری مشاهده شد که بیانگر تأثیر ایدئولوژی اسلامی انقلابی در عرصه اجتماعی-سیاسی است: (۱) رابطه پویایی ابعاد مرتبه بالاتر «تعالی خود» و «گسترش خود» در هر سه نمونه نقض شد، (۲) همچون نمونه‌های اروپای شرقی، در بُعد «تعالی خود» کانونی از ارزش‌های اجتماعی-سیاسی شکل گرفت، (۳) ارزش «معتدل» از مجموعه ارزش‌های سنت و مذهب بیرون رانده شد، و (۴) در تأثیرهای افتراقی جو سیاسی-اجتماعی بر ارزش‌های نسل‌های جوان‌تر نسبت به بزرگسالان، نکته شایان توجه اینکه نوجوانان از کنش ارزش‌های تعالی‌جویی در دو سطح روابط نزدیک (خیرخواهی) و گسترده (جهان‌شمولی‌نگری) به ادراکی متجانس و پیوسته نائل نمی‌گردند.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های بنیادی انسانی، ویژگی مختص به فرهنگ، ایرانیان، نسل

Abstract

The aim of the study was to identify culture-specifics of Iranian values and to explain the origins of Iranian specific value model in terms of causal impacts of socio-political conditions. In three separate studies, three age groups (15-17, n=1532; 18-28, n=600; 24-62, n=821) were assessed using the Schwartz Value Survey (SVS; Schwartz, 1992) and the 40-item version of the Portrait Values Questionnaire (PVQ-40; Schwartz et al. 2001). Through separate Smallest Space Analyses (SSA) regarding value structure relations for all samples and comparing them with the original model (human basic values; Schwartz, 1992, 1994) cross-cultural differences were recognized. As it was expected there were some deviancies from theoretical model which represent the impact of Islamic-revolutionary ideology within socio-political arena: (1) the dynamics relations of higher order dimensions of self-transcendence and self-enhancement were in conflict with all three samples, (2) similar to Eastern Europe samples, a location of socio-political values were formed in self-transcendence dimension, (3) moderate value was removed from tradition and religion values, and (4) in examining the differential impacts of socio-political atmosphere on younger generations in relation to adults, it was found that adolescents did not come to a coherent and continuous understandings of self-transcendence values in two levels of close relations (benevolence) and extended relations (universalism).

Keywords: human basic values, culture-specific, Iranian, generation

received: 26 July 2012

accepted: 27 September 2012

Contact information: delkhamoush@azad.ac.ir

دریافت: ۹۱/۵/۵

پذیرش: ۹۱/۷/۶

مقاله برگرفته از بخشی از پژوهش‌هایی است که با اعتبار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب اجرا شده است.

مقدمه

«همراه با ماکس وبر که معتقد است، انسان حیوان معلق در تارهای دلالت خود - تنیده است، من فرهنگ را همان تارها می‌دانم.» (گیرتز، ۱۹۷۳، صفحه ۵)

در طی بیش از دو دهه، با اوج‌گیری توجه به مسائل ملازم با تحلیل ارزش‌ها، الگوی ارزشی شوارتز (۱۹۹۲، ۱۹۹۴، ۲۰۰۵ الف)، بیش از پیش در پژوهش‌ها به‌کار گرفته شده است. این الگو به بهترین وجهی از خلال شمار قابل ملاحظه‌ای از پژوهش‌های بین‌فرهنگی (برای مثال در پژوهش‌های اخیر، بیلسکی، جانیک و شوارتز، ۲۰۱۱؛ سیسویچ و دویدوف، ۲۰۱۲؛ شوارتز، ۲۰۰۶؛ شوارتز و روبل-لیفشیتز، ۲۰۰۹؛ فونتین، پورتینگا، دلبک و شوارتز، ۲۰۰۸)، که داده‌هایی را از کشورهای مختلف سراسر جهان گردآوری کرده‌اند، به‌طور تجربی تأیید شده است.

اعتباریابی الگوی ارزشی شوارتز (۱۹۹۲، ۱۹۹۴)، در عین حال به تحقق اهداف روان‌شناسی بین‌فرهنگی نیز یاری رسانده است. بری (۲۰۰۰) سه هدف بنیادی را برای روان‌شناسی بین‌فرهنگی، برمی‌شمرد: «انتقال فرضیه‌ها و استنتاج‌های رایج در باب رفتار انسان به دیگر بافتارهای فرهنگی، به‌منظور آزمون اعتبار آنها»، «اکتشاف نظام‌های جدید فرهنگی با پی بردن به پدیده‌های روان‌شناختی که در فرهنگ نخستین موجود نیست»، و «وحدت بخشیدن به دانش روان‌شناختی حاصل از این دو فعالیت، و تولید روان‌شناسی «انسان فراگیر»^۱ که برای تمام مردم معتبر خواهد بود.»

فرهنگ ترجیحاً به منزله مفاهیم نمادین که در ذهن انسان‌ها جای گرفته است ملاحظه شده است. یا به‌عنوان یک متغیر بافتاری تعریف شده است. در تعریفی که به‌تبعیت از هرسکویتس (۱۹۵۵) در سطح گسترده‌ای بین روان‌شناسان بین‌فرهنگی متداول شده، فرهنگ بخش انسان‌ساخته‌ای از محیط است. که از عناصر عینی (برای مثال، اشیاء، معبرها، مسکن) و عناصر انتزاعی (همچون، باورها، هنجارها و ارزش‌ها) تشکیل شده است.

پس، همراه با این اعتقاد شوارتز (۱۹۹۲، ۲۰۰۵ الف)، که «هر ملت یا زیرگروه ملت ممکن است بر اساس یک الگوی ارزش فرهنگی متمایز، مشخص شود»، می‌توان جایی برای تحلیل ارزش‌ها برای یافتن ویژگی‌های خاص هر فرهنگ یافت. اینکه، چگونه ارزش‌ها در بافتار فرهنگی خاص تولید، دریافت و درک می‌شوند.

ارزش‌های بنیادی ممکن است به‌منزله قلب واقعی فرهنگ در نظر گرفته شود (هافستد، ۱۹۸۰، ۱۹۹۱، شوارتز، ۱۹۹۷). فرهنگ در فعالیت‌های روزمره، رمزها و آیین‌ها نمود پیدا می‌کند. این نمونها از خلال ارزشیابی گروه معنا پیدا می‌کند. این ارزشیابی‌ها به شکل ارزش‌های بنیادی-آنچه مردم خوب یا بد می‌دانند، آنچه فکر می‌کنند باید و نباید انجام دهند، آنچه معتقدند خواستنی یا ناخواستنی است بیان می‌شود.

ارزش‌ها به‌منزله هدف‌های خواستنی و فراموقعیتی^۲ هستند که به‌منزله اصول راهنما در زندگی افراد عمل می‌کنند (راکیچ، ۱۹۷۳؛ شوارتز، ۱۹۹۲). افراد این ارزش‌های شخصی را به‌مثابه ملاک‌هایی برای انتخاب و توجیه اعمال، و برای ارزشیابی افراد و رویدادها به‌کار می‌بندند. محتوای ارزش‌ها را می‌توان از حیث انگیزشی از یکدیگر متمایز کرد. نظریه «ارزش‌های بنیادی انسانی»^۳، ۱۰ ارزش جامع را که در یک ساختار دورانی^۴ انگیزشی آرایش یافته‌اند، شناسایی کرده است (جدول ۱). سازمان‌یافتگی پویایی که روابط تعارضی و توافقی ریخت‌های انگیزشی را بازنمایی می‌کند (شوارتز، ۱۹۹۴؛ شوارتز و هیوزمان، ۱۹۹۵).

به‌علاوه، تعارض‌ها و تجانس‌های بین ارزش‌ها در این ساختار توحید یافته، چهار ریخت ارزشی مرتبه بالاتر را که در امتداد دو بُعد عمود بر هم آرایش می‌یابند، به‌وجود می‌آورند: «آمادگی برای تغییر»^۵ (شامل خودرهنموددهی^۶ و تحریک‌طلبی^۷) در برابر «محافظه‌کاری»^۸ (سنت^۹، هم‌نوایی^{۱۰} و ایمنی^{۱۱}) و «گسترش خود»^{۱۲} (قدرت^{۱۳} و پیشرفت^{۱۴}) در برابر «تعالی خود»^{۱۵} (جهان‌شمولی‌نگری^{۱۶} و خیرخواهی^{۱۷}). ارزش‌های لذت‌جویی^{۱۸} نیز شامل عناصری از «آمادگی برای تغییر» و «گسترش خود» است.

1. pan-human	6. self-direction	11. security	16. universalism
2. trans-situational	7. stimulation	12. self-enhancement	17. benevolence
3. human basic values	8. conservation	13. power	18. hedonism
4. circular	9. tradition	14. achievement	
5. openness to change	10. conformity	15. self-transcendence	

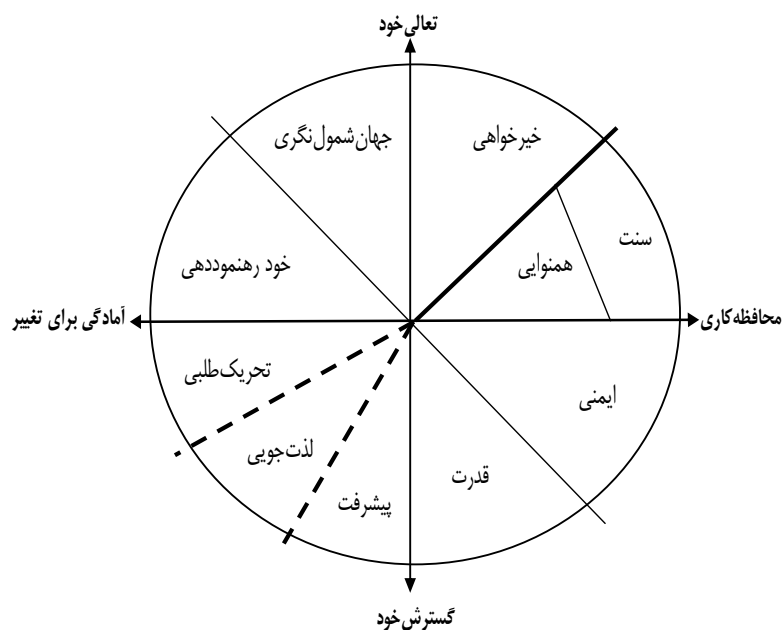
جدول ۱

ریخت‌های انگیزشی ارزش‌ها، با ارائه تعریف و ارزش‌های نمونه (برگرفته از شوارتز، ۱۹۹۴)

ریخت	تعریف	ارزش‌های نمونه
خودرهنموددهی	آزادی فکر و عمل	خلاقیت، آزادی، مستقل
تحریک‌طلبی	تهییج، تازگی و چالش در زندگی	متهور، زندگی متنوع، زندگی مهیج
لذت‌جویی	لذت و ارضای جسمانی خود	لذت، زندگی لذتبخش
پیشرفت	موفقیت در مطابقت با معیارهای اجتماعی	موافق، توانا، بلندمرتبه‌جو
قدرت	مهار افراد و امکانات و تسلط بر آنها	قدرت اجتماعی، اقتدار، ثروت
ایمنی	امنیت، توازن و ثبات برای خود و جامعه	امنیت خانوادگی، امنیت ملی، نظم اجتماعی
همنوایی	خودداری از نقض انتظارات اجتماعی رسمی و غیررسمی	فرمانبرداری، ادب، خودانضباطی
سنت	تعهد، پذیرش و تسلیم به یک جهان‌بینی سنتی	متواضع، پذیرش سهم خود از زندگی، مؤمن
خیرخواهی	گسترش رفاه افراد متعلق به گروه خودی	باریگر، صادق، بخشاینده
جهان‌شمولی‌نگری	تفاهم، قدرشناسی، اغماض و حفاظت از رفاه همه انسان‌ها و حفاظت از طبیعت	دارای وسعت نظر، خرد، عدالت اجتماعی

جهان به انجام رسیده و جهان‌شمول بودن تقریبی ریخت‌های ارزشی انگیزشی و ساختار دورانی روابط میان آنها را تأیید کرده‌اند (شوارتز، ۲۰۰۶؛ شوارتز و باردی، ۲۰۰۱؛ شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵؛ شوارتز، کپرا و ویک‌کین، ۲۰۱۰). (برای توضیحات تفصیلی در باب نظریه «ارزش‌های بنیادی انسانی»، نگاه کنید به: دلخوش، ۱۳۸۴؛ دلخوش، ۱۳۸۵؛ دلخوش و احمدی مبارکه، ۱۳۹۰).

الگوی کلی روابط تعارضی و توافقی میان ارزش‌هایی که فرض شده است ساختار نظام‌های ارزشی را تشکیل می‌دهند، در شکل ۱ (شوارتز، ۱۹۹۴) مجسم شده است. ریخت‌های رقیب، در جهت‌های متضاد از مرکز قرار دارند؛ ریخت‌های متوافق در مجاورت نزدیک با یکدیگر در پیرامون دایره قرار می‌گیرند. این تحلیل‌ها در ۲۲۰ نمونه متعلق به ۷۴ کشور در سراسر



شکل ۱. نظریه ساختار دورانی بیوستار ۱۰ ارزش بنیادی و چهار ارزش مرتبه بالاتر (برگرفته از شوارتز، ۱۹۹۴)

می‌کند و فرهنگ‌های دیگر را نه؟ پژوهش‌های گذشته، پاره‌ای از تفاوت‌های مربوط به معنای ارزش ناشی از فرهنگ را که معنادار بودند، آشکار کرده‌اند (شوارتز، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴؛ شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵).

به‌ویژه، انحراف قابل توجهی از ساختار ریخت اصلی، در نمونه‌هایی متعلق به کشورهای اروپای شرقی، مشاهده شده است (شوارتز و باردی، ۱۹۹۷؛ باردی و شوارتز، ۱۹۹۶) که تجربه زندگی تحت حاکمیت‌های کمونیستی بر ارزش‌های بنیادی شهروندان را بازنمایی می‌کند. تفاوت نظامدار این نمونه‌ها با اکثر نمونه‌ها، مشخصاً الگویی از رابطه زیاد و موافق سه ارزش جهان‌شمولی‌نگری (صلح جهانی، عدالت اجتماعی، برابری) با دو ارزش ایمنی (نظم اجتماعی، امنیت ملی) را که به‌طور معمول این ارزش‌ها در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند، برجسته می‌سازد. مؤلفان، از میان تبیین‌های ممکن، علت این انحراف را در تأثیر ایدئولوژی و جو سیاسی‌ای که در خلال دهه‌های اخیر در این ملت‌ها مشترک بودند، می‌یابند. ارزش‌هایی که در ایدئولوژی سیاسی حکومت‌های کمونیستی اروپای شرقی مورد تأکید قرار داشتند، معنای این پنج ارزش را که با عنوان ارزش‌های اجتماعی-سیاسی مورد اشاره قرار گرفته‌اند، زیر تأثیر قرار داده‌اند.

آیا به‌گونه‌ای مشابه نمی‌توان در جامعه ایران معاصر، شواهدی قوی بر له تأثیرگذاری تحولات اجتماعی-سیاسی بر معنای خاصی از ارزش‌ها، ارائه کرد، که بدان حد باورپذیر و تفسیرپذیر باشند که مبنای تدوین فرضیه منسجمی برای این مطالعه شوند.

در اینجا، برای دریافت شواهدی از تأثیر علی احتمالی پاره‌ای از تحولات اجتماعی-سیاسی، بر معنای ارزش‌ها، لازم و ضروری است که بنیان‌های افکار اجتماعی-سیاسی در ایران، از طریق بررسی گفتمان گروه‌های درگیر و احزاب عمده سیاسی و دیدگاه ایدئولوژیکی آنها در طی ۵۰ سال اخیر، به اختصار بازنمایانده شوند.

در طی انقلاب مشروطیت، که حاصل میل به ترقی‌خواهی ایرانیان، تحت تأثیر آشنایی با فرهنگ جدید غرب بود (آدمیت، ۱۳۵۱)، موضوع‌های مناقشه‌برانگیز در باب پیشرفت و توسعه،

پژوهش حاضر نه‌تنها در خصوص اعتبار و برد بین‌فرهنگی نظریه ارزش‌هاست، بلکه ضمناً با درجه اهمیت بیشتری، از زاویه ملی، در پی ترسیم مختصات فرهنگی ارزش‌های بنیادی ایرانیان در مقیاسی جهان‌شمول است.

آیا مردان و زنان ایرانی ارزش‌ها را به شیوه‌ای مطابق با اکثر زنان و مردان دیگر جوامع تعبیر می‌کنند؟ یا معنای شماری از ارزش‌ها در نزد ایرانیان با مفاهیم متفاوتی همخوانی دارد؟ مطالعه حاضر این مسأله را به‌گونه تجربی و از خلال بررسی معنای ارزش‌ها در سه سطح مورد تفحص قرار می‌دهد: دو بُعد که نظام‌های ارزشی را سازمان می‌دهند، ۱۰ ریخت ارزشی که از حیث مبانی انگیزشی متفاوتند، و ۵۷ ماده ارزشی (۴۰ ماده در نوجوانان).

بدین معنا می‌توان پرسید که، (الف) ارزش‌های نمونه‌های ایرانی در سطوح ابعاد بنیادی‌ای که ارزش‌های مرتبه بالاتر را شکل می‌دهند (دو بُعد آمادگی برای تغییر در برابر محافظه‌کاری و تعالی‌خود در برابر گسترش خود)، تا چه اندازه به گونه‌ای همسان با دیگر فرهنگ‌ها آرایش یافته‌اند؟ (ب) نمونه‌های ایرانی ۱۰ ریخت ارزشی را تا چه اندازه به گونه‌ای همسان با الگوی نظری، متمایز می‌کنند، و روابط میان این ۱۰ ریخت تا چه اندازه با پیوستار انگیزشی نظریه شوارتز (۱۹۹۲، ۱۹۹۴) مطابقت دارد؟ و (ج) همخوانی‌های مواد ارزشی منفرد با مجموعه مواد ارزشی دیگر، در نمونه‌های ایرانی، تا چه اندازه مشابه با الگوی همخوانی ارزش‌ها در دیگر ملت‌هاست؟

فرض منطقی (شوارتز، ۱۹۹۲) این است که ارزش‌ها به زبان هدف‌های مربوط به مقتضیات انسانی بیان می‌شوند. افراد یاد می‌گیرند همچنانکه با دیگران تعامل دارند، این مقتضیات را به زبان ارزش بیان کنند. آنها یاد می‌گیرند کدام ارزش‌ها یا هدف‌ها متوافق هستند و حصول یکدیگر را افزایش می‌دهند، و کدام‌ها را نمی‌توان به طور همزمان دنبال کرد چرا که تعارض دارند، و کدام‌ها نامرتباند. به این ترتیب، افراد شبکه پنهانی از همخوانی‌ها را برای هر یک از ارزش‌های خویش، یعنی معنای ارزش‌های خویش بنا می‌سازند.

آیا این احتمال را می‌توان در نظر گرفت که معنای‌ای در ارزش‌های ایرانیان وجود دارد که فرهنگ خاصی را مشخص

سارتر را به صورت کامل، و «دوزخیان روی زمین» و «پنج سال جنگ الجزایر» قانون را به صورت ناتمام، و کتاب «ابوذر: خداپرست سوسیالیست» اثر رمان‌نویس تندرو مصری عبدالحمید جودت‌السحرار را از عربی به فارسی ترجمه کرد.

ایدئولوژی اسلامی خلق می‌شود: «اسلام به عنوان ایدئولوژی، ابوذر می‌سازد، اسلام به عنوان فرهنگ، ابوعلی سینا؛ اسلام به عنوان ایدئولوژی، مجاهد می‌سازد، اسلام به عنوان فرهنگ، مجتهد؛ اسلام به عنوان ایدئولوژی روشنفکر می‌سازد، و به عنوان فرهنگ، عالم.» (شریعتی، ۱۳۶۱)

فعالیت‌های سیاسی دانشجویان با آموزه‌های فلسفه سیاسی رادیکال، به شکل‌گیری گروه‌های کوچک چریکی با ایدئولوژی‌های مارکسیستی و اسلامی که پشتیبان مبارزه مسلحانه‌اند می‌انجامد. پیام‌های انقلابی بدین قرارند: مبارزه مسلحانه تنها راه رهایی است، برقراری جامعه‌ای بی‌طبقه، محو ظلم به‌ویژه امپریالیسم، سرمایه‌داری، و استبداد.

آیت‌الله خمینی که پس از تبعید در نجف مستقر شده است به برپایی حکومت اسلام انقلابی می‌اندیشد. وی تشیع راستین را مذهبی پویا می‌داند که آموزه‌های آن می‌تواند در مبارزه با شاه، و امپریالیست‌ها سرمشق قرار گیرد. دیدگاه وی با عمل تاریخی شهادت و مقاومت امام حسین(ع) پیوند خورده است.

ریشه فکری جریان‌های سیاسی این دوران در هم‌پیمانی در این ایده‌ها نهفته است: مبارزه با استبداد شاهنشاهی و امپریالیسم غرب، و محو نابرابری اجتماعی با توسل به ایدئولوژی انقلابی با آرمان‌های عدالت‌جویی.

در برابر، حکومت سلطنتی بر آرمان‌هایی پافشاری می‌کرد که مبتنی بر ارزش‌های توسعه‌یافتگی بود: «به‌سوی تمدن بزرگ». مخالفان این پیشرفت‌نگری را دستاویزی برای محو ارزش‌های دینی و تسلیم‌پذیری در برابر فرهنگ غربی (غرب‌زدگی) می‌پنداشتند.

سیاست‌های نوسازی کشور از سوی پهلوی دوم در اوایل دهه ۵۰ بر دو محور ناسیونالیسم شاهنشاهی (که گاهشماری شاهنشاهی و جشن‌های ۲۵۰۰ساله نمود صوری آن بود) و پیشرفت‌نگری دین‌ستیز (که با اصلاحات اقتصادی-اجتماعی دستوری امریکا، تحت عنوان انقلاب سفید مشخص می‌شد)،

و تحقق عدالت اجتماعی، از خلال رویارویی اندیشه‌های اصلاح‌طلبی روشنفکران، و سنت‌خواهی روحانیون، پرورانده شد. و زان پس، اصلاح‌طلبان که ترقی را در اقتباس از مدنیت اروپا می‌جستند، و سنت‌خواهانی که قوانین فرنگی را با اصول شریعت مغایر می‌یافتند، در برابر فشار رأی حکام مستبد، بارها، عرصه سیاسی ایران را ترک و در فرجه‌های محدود سیاسی، از نو ظاهر شدند؛ چه طی استبداد رضاخانی و سپس فرصت شهریور ۲۰، و چه خفقان پس از سرنگونی دولت مصدق، و سرکوب قیام ۱۳۴۱، تا انقلاب ۱۳۵۷. و البته بجاست، که در کنار این دو جریان فکری، تأثیر ایده‌های سیاسی-اجتماعی نظام پادشاهی راه، به‌ویژه در طی ۲۵ سال آخر سلطنت پهلوی دوم، به‌منزله نظام غالب، نادیده نینگاریم.

همچنین، فارغ از منازعات عقیدتی گروه‌های سیاسی داخل کشور، آنچه به‌صورت اجتناب‌ناپذیری گفتمان عمومی سیاست‌ورزان را زیر نفوذ خود قرار داده بود، رویدادهای دگرگون‌ساز در عرصه بین‌المللی بود. ایدئولوژی‌های مارکسیستی در انقلاب‌های چین و کوبا، و ایده‌های جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در نیمه قرن بیستم؛ امه‌سه‌زر و فرانتس فانون در الجزایر، ژولیوس نایرره در تانزانیا، جومو کینیاتا در کنیا، لئوپلد سنگور در سنگال و ...

بدین ترتیب هر دو جریان تجددطلبی و دین‌خواهی، در پی کودتا بر علیه دولت مصدق، و از پس آن سرکوب قیام ۱۳۴۱، و متوقف شدن فعالیت‌های آزاد احزاب سیاسی، با الهام از ایده‌های انقلاب‌ها و جنبش‌ها در عرصه بین‌المللی، به نظریاتی آرمان‌خواهانه، آشتی‌ناپذیر، و انقلابی روی آوردند.

پس شگفتی‌آور نبود که در سال‌های بعد، دانشجویان دانشگاه‌ها گروه‌های مباحثه مخفی و کوچکی برای بررسی تجربه‌های اخیر چین، ویتنام، کوبا و الجزایر و ترجمه آثار مائو، جی‌اپ، چه‌گوارا، و فانون تشکیل دهند (آبراهامیان، ۱۹۸۲/۱۳۷۷).

آیت‌الله طالقانی، از جمله روحانیونی است که به دنبال این رسالت است، که شکاف عمیق بین مؤمنان راستین و اصلاح‌طلبان غیرمذهبی را پُر کند. وی در برابر ایده‌های مارکسیستی در اثر خود «اسلام و مالکیت»، ابراز می‌کند که سوسیالیسم و مذهب با هم سازگارند.

علی شریعتی «جنگ چریکی» چه‌گوارا و «شعر چیست؟»

گذارده شده بود.

پس از فروپاشی نظام شاهنشاهی در بهمن ۱۳۵۷، و در سال‌های پس از آن، در نهایت، این ایدئولوژی اسلامی انقلابی بود که بر ایدئولوژی‌های رقیب، همچون، سوسیالیسم، کمونیسم، ناسیونالیسم، لیبرالیسم، و ... غلبه یافت. و طی سه دهه گذشته، ارزش‌های ایدئولوژیکی خود را در سطح وسیعی اشاعه داد. معانی چه ارزش‌هایی، زیر تأثیر جوّ سیاسی دهه‌های اخیر ایران، که عرصه‌ای برای آموزه‌های انقلابی بوده است، دستخوش تغییر شده است؟

فرضیه نخست این است که در ساختار ارزش‌های نمونه‌های ایرانی، الگوی تعارضی بین دو قطب ارزشی «گسترش خود و تعالی خود»، احتمالاً مغایرت‌هایی با الگوی نظری خواهد داشت. فرضیه دیگر اینکه، در نمونه‌های ایرانی، ریخت ارزش‌های سنت، تمامی ارزش‌های منفرد لحاظ‌شده در الگوی نظری را دربر نمی‌گیرد و همچنین، محتمل است که برخی ارزش‌های منفرد ریخت ارزش ایمنی (امنیت ملی و نظم اجتماعی) به فضای ارزش‌های سنت یا جهان‌شمولی‌نگری منتقل شوند. استنتاج این فرضیه‌ها، مبتنی بر تحلیل ماهیت ایدئولوژی اسلامی انقلابی در عرصه اجتماعی-سیاسی ایران است.

یک اینکه، خصلت دین‌خواهی ایدئولوژی اسلامی، تضاد نظری الهی-مادی را در آموزه‌های خود برجسته ساخته و با تفسیر معنوی از ارزش‌هایی که ماهیت مادی (از دیدگاه مادی‌نگر غربی) دارند، معانی این ارزش‌ها را دچار ابهام می‌کند. پس می‌توان انتظار داشت که مفهوم «پیشرفت» و «تعالی» که روشن‌ترین نمونه از دو بُعد ارزش مادی و معنوی است در عوض تعارض، به یکدیگر نزدیک شوند. در تأیید این تلقی، می‌توان آموزه‌هایی را برجسته کرد که از خلال متون و سخنرانی‌های ایدئولوژیکی رهبران سیاسی قابل شناسایی است.

«بنده به‌طور قاطع این را می‌گویم: الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است ... پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هرچه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است ... نگاه جامعه غربی و فلسفه‌های غربی به انسان با نگاه اسلام به انسان، یک تفاوت

بنیانی و ریشه‌ای دارد ... پیشرفت کشور باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد.» (مقام رهبری، ۱۳۸۶).

«پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد ... مبانی معرفتی ما به ما می‌گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیرعادلانه.» (مقام رهبری، ۱۳۸۸ الف).

دوم اینکه، اسلام انقلابی، پاره‌ای از ارزش‌های دین سنتی را که مبتنی بر مدارا و مسامحه هستند (به مانند معتدل)، و از منظر سیاسی سازش‌کارانه و محافظه‌کارانه تلقی می‌شوند، از میدان می‌رانند. و شماری از ارزش‌هایی را که موجودیت نظام ایدئولوژیکی را تضمین می‌کنند (امنیت ملی و نظم اجتماعی؛ در ریخت ایمنی) با آرمان‌های خود (دین‌خواهی و عدالت‌جویی؛ در ریخت‌های سنت و جهان‌شمولی‌نگری) همخوان می‌کند. بنابراین می‌توان انتظار داشت که ارزش‌های امنیت ملی و نظم اجتماعی، مشابه نمونه‌هایی متعلق به کشورهای اروپای شرقی (شوارتز و باردی، ۱۹۹۷؛ باردی و شوارتز، ۱۹۹۶) از ریخت اصلی (ایمنی) منحرف شده و به ریخت‌های ارزشی جهان‌شمولی‌نگری، و سنت، یعنی قلمرویی که ارزش‌های عدالت‌خواهی و دینداری قرار دارند منتقل شوند.

اما در خصوص تفاوت آرایش ساختار ارزش‌ها در بین نمونه‌ها (نسل‌ها) فرضیه‌ای تدوین نشده است. تفاوت نسل‌ها به‌ویژه اگر مبنای مقایسه را نمونه نوجوانان در نظر بگیریم، از دو منظر قابل ارزیابی است. از منظر «شناختی-تحویلی»^۱ (برای نمونه در نظریه‌های پیائزه، ۱۹۶۵، ۱۹۷۲؛ سلمن، ۱۹۸۰) این مفروضه بنیادی طرح شده که دانش انسان عبارت از فرایند «بنا شدن معنا»^۲ است که تجربه‌های شخصی از خلال آن نظم داده و سازمان داده می‌شوند. در این چهارچوب، بنا شدن ارزش‌ها را می‌توان اساساً به منزله فرایند «بنا شدن معنا» تصور کرد. پس با اتخاذ این منظر، می‌توان پاره‌ای از تفاوت‌ها را در جنبه‌های محتوایی و ساختاری ارزش‌ها، بین نوجوانان و بزرگسالان انتظار داشت. اما در بررسی حاضر، «پرسشنامه

زنان در همه فرهنگ‌های مورد مطالعه معانی کاملاً مشابهی را به ارزش‌ها نسبت می‌دهند. مؤلفان در تبیین این یافته‌ها اظهار می‌کنند که زنان و مردان عموماً در اجتماع زبان‌شناختی یکسانی اجتماعی می‌شوند و مفاهیم ارزشی‌ای که برای هدف‌های خویش انتخاب می‌کنند، دارای معانی مشابهی هستند. عیناً، همین احتجاج برای به‌دست دادن فرضیه این پژوهش نیز کفایت می‌کرد، اما، با توجه به محدودیت پژوهش، گزارش تحلیلی از نتایج به تفکیک دو جنس ارائه نشده و صرفاً به ذکر تفاوت‌های معنادار برحسب مورد اکتفا شده است.

روش

سه نمونه مورد بررسی به قرار زیر در اختیار قرار گرفت: بررسی اول (نمونه بزرگسالان): شامل ۸۲۱ کارشناس ستادی (۴۸۰ مرد، ۳۴۱ زن) از ۹ وزارتخانه دولت ایران، با دامنه سنی ۲۴ تا ۶۸ سال (میانگین سن، برای مردان ۴۱ سال و چهار ماه و برای زنان ۳۹ سال و یک ماه) که به روش نمونه‌برداری چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بررسی دوم (نمونه جوانان): شامل ۶۰۰ دانشجو (۳۰۰ مرد و ۳۰۰ زن) دانشجویان ۲۰ رشته علوم انسانی و فنی-مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی-واحد تهران جنوب، با دامنه سنی ۱۸ تا ۲۷ سال (میانگین سن، برای دانشجویان مرد ۲۳ سال و برای دانشجویان زن ۲۲ سال) که به روش نمونه‌برداری تصادفی ساده انتخاب شدند. بررسی سوم (نمونه نوجوانان): شامل ۱۵۳۲ نوجوان دانش‌آموز (۷۶۶ دختر و ۷۶۶ پسر) که به نسبت مساوی در پایه‌های تحصیلی سوم راهنمایی (۱۴ساله) و سوم نظری (۱۷ساله)، با توجه به شاخص پایگاه اقتصادی به روش نمونه‌برداری تصادفی طبقه‌بندی شده از ۴۸ واحد آموزشی، شش منطقه آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب شدند.

بررسی اول و دوم با استفاده از «زمینه‌یاب ارزشی شوارتز»^۴ (SVS): شوارتز، ۱۹۹۲، ۲۰۰۶؛ شوارتز و راس، ۱۹۹۵)، و بررسی سوم با به کار بستن نسخه ۴۰ ماده‌ای «پرسشنامه تشبیهی ارزش» (PVQ): شوارتز، ۲۰۰۶؛ شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱)، به انجام رسید.

تشبیهی ارزش»^۱ (PVQ، شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱) که ابزاری کمتر انتزاعی است و اندازه‌گیری ارزش‌ها را در دوره نوجوانی میسر می‌سازد، به کار گرفته شده است؛ که احتمال مواجه شدن با تفاوت‌ها را کاهش می‌دهد. اما از منظر «جامعه‌پذیری ایدئولوژیکی» و تأثیرپذیری معنای ارزش‌ها در همسازی با نظام اجتماعی، چگونه می‌توان گمانه‌زنی‌هایی در باب تأثیرهای افتراقی ممکن زندگی در ایران بین گروه‌های مسن‌تر در برابر گروه‌های جوان‌تر متصور شد. هرچند در نظریه‌های جامعه‌شناختی (برای نمونه، مانهایم، ۱۹۵۲ و کلمن، ۱۹۶۱) در باب تعارض بین نسل‌ها، یا به بیان عمومی‌تر، «شکاف نسل»^۲، بر این واقعیت تأکید شده که نوجوانان و بزرگسالان در شرایط اجتماعی متفاوتی بزرگ می‌شوند و بدین ترتیب مجموعه‌های متفاوتی از باوردها^۳ و باورها را تحول می‌بخشند. و متعاقباً، تنش‌گریزناپذیری میان نسل‌های نوجوان و بزرگسال وجود دارد. و همچنین، آشکار است که شرایط سازش با زندگی در طی دهه‌های پس از انقلاب متفاوت بوده است و این در شکل‌گیری معنای ارزش‌ها مهم است. اما شواهد و یافته‌های تجربی قابل اتکایی برای تدوین یک فرضیه مستدل موجود نیست. پس با طرح این پرسش باید به انتظار نتایج نشست تا دریافت که آیا در طی سه دهه در ماهیت ایدئولوژی اسلامی بدان حد تغییراتی ایجاد شده است، که بتوان آموزه‌ها و تأثیرپذیری‌های متفاوتی را شناسایی و متمایز کرد. و اینکه، چه آموزه‌هایی از این ایدئولوژی بیشتر بسط یافته و در مقابل، اشاعه چه ارزش‌هایی محدود شده و چه تغییراتی در همسازی با نظام سیاسی-اجتماعی موجود ایجاد شده است.

وفاق یا گوناگونی بین دو جنس در معنادگی به ارزش‌ها، موضوع اصلی این گزارش نمی‌باشد و در این گزارش مجال پرداختن به مباحث نظری و پیشینه پژوهشی این موضوع نیست. به اجمال اینکه، تحلیل روابط جنس و ارزش‌ها از خلال مطالعات در نمونه‌های ملی (پرنس - گیبسون و شوارتز، ۱۹۹۸؛ استراج، شوارتز، و فان در کلویت، ۲۰۰۲)، حاکی از آن است که معانی و ساختار ارزش‌ها برای دو جنس مشابه است و مردان و

1. Portrait Value Questionnaire (PVQ)
2. generation gap

3. attitudes
4. Schwartz Value Survey (SVS)

۵. نسخه کامل فارسی زمینه‌یاب: پرسشنامه، روش اجرا، و نمره‌گذاری؛ در همین شماره فصلنامه (آزمون‌های روانی)

برای «تحریک‌طلبی»، «لذت‌جویی»، و «قدرت».

هر دو مقیاس (SVS و PVQ) پس از طی مراحل ترجمه با هماهنگی با مؤلف (شوارتز) به فارسی برگردانده شدند.

روایی و اعتبار مقیاس‌های SVS و PVQ از طریق روش‌های گوناگونی در نمونه‌هایی وسیع مورد تأیید قرار گرفته و یافته‌های آن در سطح گسترده‌ای منعکس شده است (برای مثال، اشتاین‌متز، اشمیت، تینابوه، ویسزورک و شوارتز، ۲۰۰۹؛ بامبرگ، هرمان، کاینست و اشمیت، ۲۰۰۱؛ بیلسکی، جانیک و شوارتز، ۲۰۱۱؛ پرینجکوت، فورر، یوسینیر، کستر و والت‌فلورنس، ۲۰۰۷؛ دوایدو، اشمیت و شوارتز، ۲۰۰۸؛ شوارتز و بونکه، ۲۰۰۴؛ ناپن و ساریز، ۲۰۰۹؛ ویک‌کین، کاسکونی و باربارانلی، ۲۰۰۹؛ و هاینز، بره‌لر، اشمیت و آلبانی، ۲۰۰۵). (یافته‌های پژوهشی در ایران، ر. ک. دلخمش، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، دلخمش و احمدی‌مبارکه، ۱۳۹۰).

برای تحلیل ساختاری و منظومه‌های محتوایی ارزش‌ها، فن «تحلیل کوچک‌ترین فضا»^۱ (SSA) به کار گرفته شد که از جمله فنون «مقیاس‌سازی چندبُعدی»^۲ (MDS) نام‌تربیک برای تحلیل ساختاری داده‌های واجد مشابهت است (برای آشنایی با زیربنای نظری فن تحلیل کوچک‌ترین فضا، ر. ک. دلخمش، ۱۳۸۴).

یافته‌ها

ساختار ارزشی برای سه نمونه مورد بررسی، در سه نقشه SSA (شکل ۲) که تجسم فضایی دو بُعدی از همبستگی‌های بین ارزش‌هاست، منعکس شده است. این شکل‌ها بر اساس ملاک‌هایی (شوارتز، ۱۹۹۲) که اجازه می‌دهند ارزش‌های منفرد را با رسم خطوطی در یک ناحیه (ریخت) تحدید کرد و از ناحیه (ریخت) دیگر مجزا کرد، ترسیم شده است.

مقایسه این سه شکل با شکل ۱ که بر مبنای الگوی نظری پژوهش (شوارتز، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴، ۲۰۰۵ الف)، فراهم آمده است، همسانی و ناهمسانی محتوا و ساختار ریخت‌های ارزشی سه نمونه ایرانی را با الگوی ملاک فراهم می‌سازد. و همچنین مقایسه بین سه نمونه از سه نسل ایرانی را نیز به دست می‌دهد. ساختار ارزشی به دست آمده SSA در هر سه نمونه، در سطح

نسخه اصلی SVS در شکل کنونی آن شامل ۵۷ ماده ارزشی منفرد (مثلاً، خرد، زندگی مهیج، امنیت خانوادگی) است که در ۱۰ ریخت انگیزشی مفروض که ترجیحات ارزشی را شکل می‌دهند، طبقه‌بندی می‌شوند. ارزش‌های زمینه‌یاب ارزشی شوارتز در سطح دو مجموعه ارزشی قرار می‌گیرند: (۱) فهرست ارزش‌های غایی: فهرست اول، شامل ارزش‌های غایی (ارزش‌های شماره ۱ تا ۳۰) یا هدف‌های غایی (غایت وجود) است که به شکل اسم ارائه می‌شوند، مانند: فرمانبرداری. (۲) فهرست ارزش‌های ابزاری: فهرست دوم، ارزش‌های ابزاری (ارزش‌های شماره ۳۱ تا ۵۷) یا هدف‌های ابزاری (شکل‌های رفتار) را دربرمی‌گیرد که به شکل صفت ارائه می‌شوند، مانند: فرمانبردار.

در این پرسشنامه تکلیف آزمودنی این است که درجه اهمیت را که هر ارزش «به منزله یک اصل راهنما در زندگی من دارد»، در مقیاس ۹ درجه‌ای (۱-، ۰، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷) درجه‌بندی کند: (۱-) مخالف ارزش‌های من، (۰) بی‌اهمیت و (۷) عالی‌ترین درجه اهمیت.

نسخه ۴۰ ماده‌ای «پرسشنامه تشبیهی ارزش» (PVQ): شوارتز، ۲۰۰۶؛ شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱) به عنوان ابزاری عینی‌تر و به لحاظ شناختی واجد پیچیدگی کمتری از SVS است و مطالعه ارزش‌ها را در دوره نوجوانی، میسر خواهد کرد.

هر ماده پرسشنامه عبارت از تشبیه کلامی کوتاهی در باب یک فرد متفاوت است. هر ماده هدف‌ها، خواسته‌ها، یا امیال یک شخص را توصیف می‌کند و به گونه ضمنی به اهمیت یک ارزش اشاره دارد. در خصوص هر تشبیه، پاسخ‌دهندگان به این پرسش پاسخ می‌دهند که «این شخص تا چه اندازه به شما شبیه است؟» و پاسخ خویش را با انتخاب یک گزینه از شش گزینه طبقه‌بندی شده، تعیین می‌کنند. داورهای مشابهت پاسخ‌دهندگان از ۱ (ابتدا شبیه من نیست) تا ۶ (بسیار زیاد شبیه من است) نمره‌گذاری می‌شوند. تعداد تشبیه‌ها برای هر یک از ارزش‌ها به وسعت تعریف مفهومی آن بستگی دارد (شوارتز، ۱۹۹۲): شش تشبیه برای «جهان‌شمولی‌نگری»؛ پنج تشبیه برای «ایمنی»؛ چهار تشبیه برای «سنت»، «همنوایی»، «خیرخواهی»، «خودرهنموددهی»، و «پیشرفت»؛ سه تشبیه

بدین ترتیب، در سازمان‌یافتگی ریخت‌های ارزشی نمونه نوجوانان نیز رابطه تعارضی پیش‌بینی شده بین ریخت‌های پیشرفت و خیرخواهی که می‌بایست در ابعاد گسترش خود و تعالی خود جای می‌گرفتند، نقض شده است.

در سطح ارزش‌های منفرد، ۵۰ ارزش در ناحیه مربوط به ریخت ارزشی اصلی‌شان پدیدار شدند. در نمونه بزرگسال از ۵۷ ارزش، ۴۱ ارزش در ناحیه مربوط به ریخت ارزشی اصلی‌شان و ۱۳ ارزش در نواحی مجاور یا سایر نواحی متداول پدیدار شدند. در نمونه جوانان، ۴۳ ارزش در ناحیه ریخت اصلی و ۱۳ ارزش در دیگر نواحی متداول ظاهر شدند. بدین ترتیب، فقط سه ارزش «معتدل» (در هر دو نمونه) و «امنیت ملی» و «نظم اجتماعی» (در هر سه نمونه) در ناحیه غیراصلی‌شان جای گرفته‌اند. و در نمونه نوجوانان از ۴۰ ارزش، ۳۵ ارزش در ناحیه مربوط به ریخت ارزشی اصلی‌شان و پنج ارزش در نواحی مجاور یا سایر نواحی متداول پدیدار شدند (جدول ۲).

آیا این انحراف‌ها معرف ویژگی‌هایی مختص به فرهنگ در باب ارزش‌ها هستند، یا ناشی از خطای اندازه‌گیری هستند؟ سه روی‌آورد به منظور تحلیل اعتبار اتخاذ شد: (۱) در هر نمونه اعتبار در سطح ریخت‌ها و ارزش‌های منفرد از خلال داده‌های آزمون-بازآزمون برآورد شد، (۲) تحلیل‌ها در سطح سه نمونه مجزا مقایسه شدند، (۳) با روش دونیمه‌سازی، هر یک از نمونه‌ها به‌طور تصادفی به دو زیرنمونه تقسیم و SSAهای انجام‌شده برای هر زیرنمونه، با یکدیگر و با SSAی نمونه کلی مقایسه شد.

مقایسه ساختار SSA آزمون-بازآزمون، اعتبار قابل قبولی را در سطح ریخت‌های ارزشی هر سه نمونه نشان می‌دهد. به استثنای یک مورد که مربوط به جابه‌جایی ریخت‌های «قدرت» و «لذت‌جویی» در نمونه بزرگسالان است. مقایسه ساختار SSA آزمون-بازآزمون، اعتبار قابل قبولی را در سطح ریخت‌های ارزشی هر سه نمونه نشان می‌دهد.

جابه‌جایی ریخت‌های «قدرت» و «لذت‌جویی» در ساختار SSA بازآزمون و دو نیمه‌سازی، و در ساختار SSA تفکیک شده مردان و زنان، تکرار نشدند و مطابق الگوی ملاک بودند.

وسعی با ساختار نظریه‌پردازی شده مطابقت دارد. هر ۱۰ ریخت ارزشی شناسایی شد. نواحی تشکیل‌دهنده هر ریخت به وضوح متمایزند و آمیختگی مشاهده نمی‌شود.

در نمونه بزرگسالان و جوانان، ترتیب‌بندی ریخت‌ها در مورد ریخت ارزشی پیشرفت، با الگوی نظری همسان نیست. «ریخت پیشرفت» از محل مورد انتظار در الگوی نظری (مابین دو ریخت «قدرت» و «لذت‌جویی»)، در نمونه بزرگسالان، به پیشانی ناحیه ریخت «خودرهنموددهی» و در نمونه جوانان، به ناحیه‌ای مابین ریخت‌های «خودرهنموددهی» و «جهان‌شمولی نگری» نقل مکان کرده است (شکل ۲: بالا / پایین - چپ). برای مطابقت کامل با ترتیب‌بندی ساختار آرمانی، سه حرکت (برای نمونه بزرگسال، در جهت حرکت عقربه‌های ساعت؛ و برای نمونه جوانان، در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت) لازم است تا ریخت پیشرفت در ناحیه آرمانی قرار گیرد.

افزون بر این، در نمونه بزرگسالان ترتیب‌بندی ریخت‌های «قدرت» و «لذت‌جویی» عکس الگوی ملاک است.

در سازمان‌یافتگی ریخت‌های ارزشی، بُعد «آمادگی برای تغییر در برابر محافظه‌کاری» برای هر دو نمونه به دست آمد، اما برقراری رابطه تعارضی دو قطب بُعد «تعالی خود در برابر گسترش خود»، مشروط به حرکت ریخت ارزشی پیشرفت به ناحیه مورد انتظار (مابین ریخت‌های قدرت و لذت‌جویی) است. بدین ترتیب در تطبیق ساختار ارزش‌های انسانی بزرگسالان و جوانان با ساختار نظری، تنها تفاوت، جابه‌جایی ناحیه‌ای است که ریخت پیشرفت در آن ظاهر شده است.

در نمونه نوجوانان، ترتیب‌بندی ریخت‌ها در دو مورد برخلاف انتظار بود، و محل ظهور ریخت‌های ارزشی خیرخواهی و پیشرفت با الگوی نظری همسان نبود (شکل ۲: پایین-راست). برای مطابقت کامل با ترتیب‌بندی آرمانی، دو حرکت برای ریخت خیرخواهی (در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت: مابین ریخت‌های هم‌نواپی و جهان‌شمولی‌نگری) و نیم حرکت برای ریخت پیشرفت (در جهت حرکت عقربه‌های ساعت: مابین ریخت‌های قدرت و لذت‌جویی) لازم است تا هر دو ریخت در ناحیه آرمانی قرار گیرند.

جدول ۲

جایگیری ارزش‌ها در نواحی هر ریخت ارزشی در قیاس با جایگاه تجربی هر ارزش، بر مبنای شکل‌های تحلیل کوچک‌ترین فضا (SSA)، در سه نمونه بزرگسالان، جوانان، و نوجوانان ایرانی

ناحیه ظاهر شده در ریخت انگیزشی در پژوهش									
۱. نمونه بزرگسالان (۸۲۱ نفر)			۲. نمونه جوانان (۶۰۰ نفر)			۳. نمونه نوجوانان (۱۵۳۲ نفر)			ناحیه نظری و متداول‌ترین ناحیه تجربی
مطابق الگو	تفاوت دو جنس	ناحیه نامتعارف (مختص به فرهنگ)	مطابق الگو	تفاوت دو جنس	ناحیه نامتعارف (مختص به فرهنگ)	مطابق الگو	تفاوت دو جنس	ناحیه نامتعارف (مختص به فرهنگ)	
+			+			+			ریخت انگیزشی
+			+			+			ارزش
+			+			+			خودرهنمویی
+			+			+			خلاقیت
+			+			+			کنجکاو
+			+			+			آزادی
+			+			+			انتخاب شخصی هدف‌های خود
+			+			+			مستقل
+			+			+			متهور
+			+			+			زندگی متنوع
+			+			+			زندگی مهیج
+			+			+			لذت
+			+			+			زندگی لذتبخش
+			+			+			خوشگذران
+			+			+			موفق
+			+			+			توانا
+			+			+			بلندمرتبه‌جو
+			+			+			پیشرفت
+			+			+			بانفوذ
+			+			+			هوشمند
+			+			+			احترام به خود
+			+			+			قدرت اجتماعی
+			+			+			قدرت اجتماعی
+			+			+			اقتدار
+			+			+			ثروت
+			+			+			لذت
+			+			+			ایمنی
+			+			+			ایمنی
+			+			+			ایمنی
+			+			+			تخصص اجتماعی
+			+			+			پاکیزه
+			+			+			امنیت ملی
+			+			+			امنیت خانوادگی
+			+			+			جبران محبت‌های دیگران
+			+			+			تندرست
+			+			+			حسن‌تعلق خاطر
+			+			+			ادب
+			+			+			احترام به والدین و بزرگ‌ترها
+			+			+			فرمانبردار
+			+			+			خودانضباطی
+			+			+			مؤمن
+			+			+			پذیرش سهم خود از زندگی
+			+			+			متواضع
+			+			+			معتدل
+			+			+			احترام به سنت
+			+			+			یاربگر
+			+			+			صادق
+			+			+			بخشناپنده
+			+			+			وفادار
+			+			+			مسئولیت‌پذیر

ادامه جدول ۲

دوستی واقعی	ایمنی	ایمنی	-
زندگی معنوی	سنت	سنت	-
عشق کامل	لذت	ایمنی	-
معنا بخشیدن به زندگی	جهان شمولی نگری	جهان شمولی نگری	-
حفاظت از محیط زیست	+	+	+
جهانی زیبا	+	(زن)	-
یگانگی با طبیعت	+	(زن)	+
دارای وسعت نظر	+	(زن)	+
عدالت اجتماعی	+	+	+
خرد	+	(مرد)	-
برابری	+	+	+
صلح جهانی	+	+	+
توازن درونی	+	(زن)	-
SVS			
خلوت (ایمنی / خودرهنموددهی)	+	+	-
PVO			
سبقت جو (پیشرفت)	-	-	+
رفتار صحیح (همنوایی)	-	-	+
پیرو قانون (همنوایی)	-	-	+

(۱) میزان همبستگی پایین‌تر از حد معمول با لذت‌جویی (بزرگسالان: $r=0/14$ ، جوانان: $r=0/08$)، (۲) میزان همبستگی بالاتر از حد معمول با خودرهنموددهی (بزرگسالان: $r=0/35$ ، جوانان: $r=0/34$)، (۳) عدم همبستگی منفی معنادار با خیرخواهی (بزرگسالان: $r=0/03$ ، جوانان: $r=-0/07$)، (۴) همبستگی نامتعارف مثبت با جهان‌شمولی نگری (بزرگسالان: $r=0/07$ ، جوانان: $r=0/16$)، و (۵) همبستگی منفی نامعمول با سنت (بزرگسالان: $r=-0/10$ ، جوانان: $r=-0/177$) در نوجوانان نیز روابط تعارضی پیش‌بینی شده برای ریخت پیشرفت با سه ریخت خیرخواهی ($r=0/23$)، جهان‌شمولی نگری ($r=0/15$) و خودرهنموددهی ($r=0/38$) مطابقت ندارد و همبستگی‌ها مثبت و معنادار ($P<0/001$) هستند.

بدین ترتیب، انحراف مذکور تصادفی و فاقد معنا تلقی شد. اما، انحراف‌های متجانسی، از خلال مقایسه دو نمونه بزرگسالان و جوانان، شناسایی شدند. این انحراف‌ها در زیرنمونه‌ها تکرار شدند. که الگوهایی را که بیانگر تمایزهای فرهنگی هستند، نشان می‌دهد. ماهیت احتمالی معانی گوناگون این انحراف‌ها چیست؟ برای مشخص کردن معنای جابه‌جایی ریخت پیشرفت، روابط ریخت پیشرفت با سایر ریخت‌ها بررسی شد. در جدول ۳ نتایج همبستگی ریخت پیشرفت با ریخت‌های ارزشی دیگر، در هر سه نمونه ارائه شده است. شماری از مقادیر مندرج در جدول ۳ بیانگر همبستگی‌های نامتعارف (در مقایسه با الگوی نظری) ریخت پیشرفت با دیگر ریخت‌های ارزشی در دو نمونه بزرگسالان و جوانان هستند:

جدول ۳

ضرایب همبستگی ریخت ارزشی پیشرفت با سایر ریخت‌های ارزشی در سه نمونه پژوهش بزرگسالان، جوانان، نوجوانان ایرانی (تعداد: نمونه ۱: ۸۲۱ نفر، نمونه ۲: ۶۰۰ نفر، نمونه ۳: ۱۵۳۲ نفر)

نمونه بررسی	خودرهنموددهی	تحریک‌طلبی	لذت‌جویی	قدرت	ایمنی	همنوایی	سنت	خیرخواهی	جهان‌شمولی نگری
۱. بزرگسالان	0/35**	0/25**	0/12**	0/31**	0/05	-0/04	-0/10*	0/03	0/07*
۲. جوانان	0/34**	0/07	0/08	0/17**	0/07	-0/06	-0/18**	-0/07	0/16**
۳. نوجوانان	0/38**	0/23**	0/33**	0/43**	0/21**	0/15**	-0/01	0/23**	0/15**

* $P<0/05$ ** $P<0/001$

در نمونه نوجوانان، افزون بر ریخت پیشرفت، ترتیب ریخت خیرخواهی نیز در چرخه انگیزشی برهم خورده و روابط

ریخت‌های ارزشی همبستگی مثبت معنادار ($P < 0/001$) دارد. که بالاترین مقدار همبستگی ($r = 0/23$) با ریخت پیشرفت و کمترین مقدار همبستگی ($r = 0/10$) با ریخت سنت است. بدین ترتیب جابه‌جایی در محل استقرار ریخت پیشرفت (در هر سه نمونه) و ریخت خیرخواهی (در نمونه نوجوانان)، عمدتاً ناشی از

تعارضی آن با ریخت‌های بُعد «گسترش‌خود» (پیشرفت و قدرت) نقض شده است. برای دریافت معنای جابه‌جایی ریخت خیرخواهی، روابط ریخت خیرخواهی با سایر ریخت‌ها بررسی و در جدول ۴ نتایج همبستگی‌ها منعکس شده است. با توجه به مقادیر جدول، ریخت خیرخواهی با سایر

جدول ۴

نتایج همبستگی ریخت ارزشی خیرخواهی با سایر ریخت‌های ارزشی در نمونه نوجوانان ایرانی (تعداد: ۱۵۳۲ نفر)

ریخت‌های ارزشی								
ریخت ارزشی	خودرهنموددهی	تحریک‌طلبی	لذت جویی	پیشرفت	قدرت	ایمنی	همنوایی سنت	جهان‌شمولی‌نگری
خیرخواهی	۰/۱۸	۰/۱۲	۰/۱۸	۰/۲۳	۰/۱۲	۰/۲۱	۰/۲۰	۰/۱۸

همه ضرایب در سطح $P < 0/001$ معنادار هستند.

گرفتن آنها از ناحیه ریخت‌های اصلی‌شان (ناهمخوان با الگو: مندرج در جدول ۳، ستون‌های ۲ و ۴)، همبستگی‌های ارزش‌های «امنیت ملی» و «نظم اجتماعی» (در هر سه نمونه) و ارزش «معتدل» (در دو نمونه بزرگسالان و جوانان) و ارزش «یاریگر» (در نمونه نوجوانان) با ریخت‌های ارزشی بررسی شد.

همبستگی مثبت ارزش‌های پیشرفت با ارزش‌های خودرهنموددهی و جهان‌شمولی‌نگری و همبستگی منفی با ریخت سنت و فقدان همبستگی منفی معنادار ارزش‌های پیشرفت و خیرخواهی است. همچنین، در سطح ارزش‌های منفرد، به منظور درک معنای تغییر موضع شماری از مواد ارزشی منفرد و فاصله

جدول ۵

همبستگی‌های معنادار چهار ارزش منفرد جابه‌جاشده با ریخت‌های ارزشی در سه نمونه پژوهش بزرگسالان، جوانان، نوجوانان ایرانی (تعداد: نمونه ۱: ۸۲۱ نفر، نمونه ۲: ۶۰۰ نفر، نمونه ۳: ۱۵۳۲ نفر)

ریخت‌های ارزشی					
ارزش منفرد	نمونه	خودرهنموددهی	جهان‌شمولی‌نگری	خیرخواهی	همنوایی سنت
نظم اجتماعی	بزرگسالان	۰/۲۹	۰/۱۷	۰/۱۵	۰/۲۰
	جوانان	۰/۳۳	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۱۴
	نوجوانان	۰/۴۱	۰/۳۶	۰/۳۱	۰/۳۱
امنیت ملی	بزرگسالان	۰/۲۴	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۳۱
	جوانان	۰/۲۹	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۲۰
	نوجوانان	۰/۴۳	۰/۳۲	۰/۳۷	۰/۳۷
معتدل	بزرگسالان	۰/۱۵	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۲۳
	جوانان	۰/۲۵	۰/۱۲	۰/۱۷	۰/۲۳
یاریگر	نوجوانان	۰/۳۳	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۳۲

$P < 0/001$

بازتر به ریخت سنت ($r = 0/20$) دارند. بدین ترتیب ارزش‌های نظم اجتماعی و امنیت ملی در هر سه نمونه از متداول‌ترین ریخت در الگوی نظری (ایمنی) دور می‌شوند. و به ریخت‌های جهان‌شمولی‌نگری و سنت متمایل‌اند. ارزش معتدل نیز در هر دو نمونه بزرگسالان و جوانان ارتباط قوی‌تری با ریخت ارزشی جهان‌شمولی‌نگری (بزرگسالان: $r = 0/179$ ، جوانان: $r = 0/253$) نشان می‌دهد. هرچند در نمونه

مقادیر مندرج در جدول ۵ مبین آن است که ارزش‌های نظم اجتماعی و امنیت ملی در نمونه‌های جوانان و نوجوانان گرایش قاطعی به ریخت جهان‌شمولی‌نگری دارند (نظم اجتماعی: جوانان: $r = 0/33$ ، نوجوانان: $r = 0/41$ و امنیت ملی: جوانان: $r = 0/29$ ، نوجوانان: $r = 0/43$)، و در نمونه بزرگسالان ارزش نظم اجتماعی گرایش بیشتر به ریخت جهان‌شمولی‌نگری ($r = 0/29$)، و ارزش امنیت ملی گرایش

تاریخی و اجتماعی خاص، تغییراتی در معانی و ساختارهای ارزش‌های ایرانیان ایجاد شده، که معانی مختص به فرهنگ ایرانی را می‌نمایاند.

هر دو فرضیه پژوهش، چه فرضیه نخست، که احتمال مشاهده مغایرت با الگوی تعارضی بین دو قطب ارزشی «تعالی خود در برابر گسترش خود»، پیش‌بینی شده بود، و چه فرضیه دوم، که در آن جابه‌جایی ارزش‌های منفرد در ارزش‌های ریخت سنت و ریخت ایمنی (ارزش‌های امنیت ملی و نظم اجتماعی)، تخمین زده شده بود، مورد تأیید قرار گرفتند. فرضیه‌هایی که بر مبنای تحلیل ماهیت ایدئولوژی اسلامی انقلابی در عرصه اجتماعی-سیاسی ایران، استنتاج شده بود.

ایدئولوژی، به منزله آموزه‌های سیاسی، نظام‌های اعتقادی یا نظام‌های نمادینی است که ویژه جوامع خاص، آن هم فقط در عصر به‌خصوصی از تحول تاریخی آنهاست (تامپسون، ۱۹۹۱/۱۳۷۸) که واجد آموزه‌هایی جامع و تمامیت‌پرداز است که بینشی منسجم از جهان اجتماعی-تاریخی ارائه کرده و طالب میزان بالایی از دل‌بستگی عاطفی است. همچنین، ایدئولوژی در چهارچوب یک نظریه کلی، به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اعتقادات است که از سوی کارگزاران حکومت تولید و انتشار یافته، و از طریق تبعیت افراد به آن مجموعه، در خدمت بازتولید نظم اجتماعی قرار می‌گیرد. تولید و اشاعه ایدئولوژی حاکم معمولاً به عنوان یکی از تکالیف و دستاوردهای حکومت، یا نمایندگی‌های خاص و مقامات حکومت محسوب می‌شود.

ایدئولوژی‌ها (همچنان‌که ارزش‌ها) از خلال تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم بسط می‌یابند، و گسترش آنها در فرهنگ‌های مختلف به ایدئولوژی‌های متفاوتی منجر می‌شود، به دیگر بیان، تفاوت‌های فرهنگی در هر یک از این سازه‌ها (ایدئولوژی‌ها) مستندسازی شده‌اند (مایو، اولسون، برنارد و لاک، ۲۰۰۳). پس منطقی است که فرهنگ‌های متفاوت گونه‌های متفاوتی از ارزش‌ها را بازنمایی کنند.

با شرحی مختصر از دیدگاه‌های ایدئولوژیکی که افکار سیاسی-اجتماعی ایرانیان را طی ۵۰ سال اخیر، منعکس می‌سازد، یک خط استدلالی، که نظریه تأثیرگذاری تحولات

جوانان گرایش به ریخت سنت ($I=0/228$) نیز مشاهده می‌شود. پس ارزش معتدل همخوانی بیشتری با ارزش‌های جهان‌شمولی‌نگری دارد.

ارزش یاریگر در نمونه نوجوانان، بالاترین همبستگی را با ریخت‌های جهان‌شمولی‌نگری ($I=0/33$)، سنت ($I=0/32$) و همنوایی ($I=0/27$) به‌دست آورده است. بدین ترتیب محتوای ارزش خیرخواهی، از الگوی نظری فاصله گرفته و واجد معنای ویژه‌ای است. ارزش یاریگر که با ریخت‌های لذت‌جویی و قدرت همبستگی منفی نشان داده است، از سایر ارزش‌های ریخت خیرخواهی جدا شده است.

بحث و تفسیر

به‌منظور آزمودن فرضیه ساختاری نظریه ارزش‌های بنیادی انسانی (شوارتز، ۱۹۹۲)، ترتیب ارزش‌ها در فضای دوبعدی در سه نمونه ایرانی از سه گروه سنی تحلیل شد. تا در عین حالی‌که برآوردی از اعتبار و مقبولیت جهان‌شمولی نظریه به‌دست‌آید، حساسیت ساختارهای ارزشی نسبت به شرایط تاریخی و اجتماعی خاص (در فرهنگ ایرانی) نیز سنجیده شود.

همانگونه که در نظریه فرض شده بود، تمایز یافتگی ۱۰ ریخت ارزشی، روابط پویایی (روابط توافقی و تعارضی) بین آنها، و آرایش دوقطبی چهار ریخت ارزشی مرتبه بالاتر، در نمونه‌های ایرانی در سطح وسیعی تأیید شد. اما این تأیید شامل محل استقرار ریخت پیشرفت (در هر سه نمونه) و ریخت خیرخواهی (در نمونه نوجوانان) نیست. به‌علاوه، تحلیل‌ها نشان دادند که از مجموع ارزش‌های منفرد (۵۷ ارزش SVS، ۴۰ ارزش PVQ)، قریب به اتفاق ارزش‌ها واجد متداول‌ترین معنا در سایر فرهنگ‌ها هستند. استثناء ارزش‌های امنیت ملی و نظم اجتماعی در هر سه گروه، ارزش معتدل در نمونه‌های بزرگسالان و جوانان، و ارزش یاریگر در نمونه نوجوانان است.

یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است، درحالی‌که معانی ارزش‌های بنیادی در حد گسترده‌ای از حیث فرهنگی مشترک هستند، اما به همان‌گونه که انتظار می‌رفت، تحت شرایط

نیستند. این تفاوت، متضمن این است که یک ساختار کمی تغییر یافته مختص فرهنگ، جامعه ایرانی را مشخص می‌کند. ارزش‌های پیشرفت، عمدتاً بر اثبات شایستگی بر حسب دست یافتن به معیارهای فرهنگی، و به موجب آن نیل به تأیید اجتماعی، تأکید دارند (شوارتز، ۱۹۹۲). ارزش‌های پیشرفت ممکن است با پی‌گیری ارزش‌های خیرخواهی و جهان‌شمولی‌نگری تعارض داشته باشد: جست‌وجوی موفقیت شخصی برای خویش، احتمالاً مانع از اعمالی می‌شود که هدف آنها گسترش رفاه و کمک به دیگرانی است که به‌منزله افراد برابر پذیرفته شده‌اند.

ارزش‌های پیشرفت، در وجه مثبت خویش، افراد را به سرمایه‌گذاری وقت و انرژی در تکلیف گروهی می‌انگیزند. آنها همچنین به رفتار گسترش خود، تا جایی که در رفتار گروه سهمیم باشد، مشروعیت می‌بخشند. در وجه منفی، این ارزش‌ها، کوشش‌های مربوط به دست‌یافتن به تأیید اجتماعی را که ممکن است روابط اجتماعی موزون را مختل و با دستیابی به هدف گروه تداخل ایجاد کند، پرورش می‌دهند (شوارتز، ۲۰۰۵).

همخوانی‌های نامتعارف بین ریخت پیشرفت و ریخت‌های خودرهنموددهی و جهان‌شمولی‌نگری، ممکن است این‌گونه تفسیر شود که برای ایرانیان پیشرفت از منظر فردی بیشتر به معنای احراز شایستگی با اتکای به «ارتقای صلاحیت‌های شخصی» درک می‌شود تا اثبات توانایی‌ها از خلال فرایندهای رقابت‌جویانه. و از منظر اجتماعی مفهوم نیازی را با خود به‌همراه دارد، که خواهان «تغییر دادن وضع موجود» در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی است. مفهومی که با «میل به توسعه‌یافتگی»، در فرهنگ غرب (پیشرفت مادی جامعه) مطابقت دقیقی ندارد.

به همین دلیل از بین ارزش‌های پیشرفت، ارزش‌هایی که با معنای بیان‌شده همخوانی کمتری دارند، گرایش بیشتری به ریخت‌های دیگر نشان می‌دهند: ارزش «بانفوذ» به ریخت قدرت و ارزش «بلندمرتبه‌جو» به ریخت تحریک‌طلبی.

به‌نظر می‌رسد که فرایند علی‌همسازی با یک جامعه «در حال توسعه» در خلال یک دوران متعارض از رقابت ارزش‌های پیشرفت‌طلبی (پیشرفت‌طلبی نامتوازن حاکم در دوران پهلوی)،

اجتماعی-سیاسی بر معانی ارزش‌ها را برجسته می‌کرد، ترسیم شد. بدین معنا که، در زمانی که آموزه‌های سیاسی رادیکال یا انقلابی در جوامع صنعتی توسعه‌یافته قدرت اقتناع‌کنندگی خود را از دست داده بودند، این آموزه‌های ایدئولوژیک در میان عمده گروه‌های روشنفکران و روحانیون ناراضی از حاکمیت سیاسی موجود در جامعه ایرانی که در پی تغییرات ریشه‌ای بودند، پا گرفت و به تدوین منشورهای ایدئولوژیکی انجامید، که در نهایت به شور انقلابی سال ۵۷ دامن زد و زان پس نیز در قالب آموزه‌های اصلی در حاکمیت جدید در سطح گسترده‌ای اشاعه داده شد؛ مبارزه بر علیه امپریالیسم غرب، تحقق عدالت اجتماعی، دست‌یابی به پیشرفت معنوی-مادی، و پای‌بندی به اصول اسلامی انقلابی.

ایدئولوژی اسلام انقلابی در ایران، با بهره‌گیری از تشکیلات دولت، نظام اداری، مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، نظام حقوقی و دادگاه‌ها، نظام ارتباطات توده‌گیر و فعالیت‌های فرهنگی، و ...، چه از خلال تلقین مستقیم و دائمی آموزه‌ها و اعتقادات ایدئولوژی اسلامی، و چه از خلال فرایند عمده اجتماعی شدن، یعنی سازش‌یافتگی و همسازی با مقتضیات و شرایط زندگی تحت قواعد اسلامی، معنای شماری از ارزش‌های بنیادی را زیر تأثیر قرار داده است.

نخستین تأثیر بارز جو سیاسی دهه‌های اخیر ایران بر معنای ارزش پیشرفت است.

در هر دو نمونه بزرگسالان و جوانان، ریخت پیشرفت در محلی نامنتظر ظهور کرده است. ارزش‌های پیشرفت به طور معمول در نقشه‌های SSA در مجاورت ارزش‌های قدرت و لذت ظاهر می‌شوند. اما به‌دلیل همبستگی مثبت ارزش‌های پیشرفت با ارزش‌های خودرهنموددهی و جهان‌شمولی‌نگری و همبستگی منفی با ریخت سنت و فقدان همبستگی منفی معنادار با ارزش‌های خیرخواهی، در هر دو نمونه ارزش‌های پیشرفت از بُعد «گسترش خود» دور شده و به مرز بُعد «تعالی خود» نزدیک شده است. و به همین سبب برقراری رابطه تعارضی دو قطب بُعد «تعالی خود» در برابر گسترش خود»، در سازمان‌یافتگی ریخت‌های ارزشی نقض شده است.

این انحراف (در هر دو نمونه و در هر دو جنس) تصادفی

(از ریخت خیرخواهی). در این کانون برجسته‌ترین ارزش‌های «گروه همگنان» جای گرفته‌اند.

این نتایج مغایر گزارش‌هایی است (برای مثال، شوارتز، ۱۹۹۲؛ منه‌زیس و کمپو، ۱۹۹۷) که در آنها ابراز شده است که «احتمال درهم‌آمیختگی ارزش‌های تعالی خود (خیرخواهی و جهان‌شمولی‌نگری) در نوجوانان، به دلیل ناتوانی نوجوانان در جدا شدن از جهان ارتباطی پیرامون خویش، دور از انتظار نیست.» مطابق با نظریه سلمن (۱۹۸۰) اتخاذ منظر اجتماعی، یعنی قبول دیدگاه جمع، شرط لازم برای جهان‌شمولی‌نگری است، منظری که نوجوانان قادر به اتخاذ آن نیستند.

نتایج پژوهش حاضر، شاید بدین معنا باشد که ادراک نوجوانان ایرانی از «دیگردوستی» متمرکز به دنیای ارتباط‌های نزدیک خود، یعنی فضای روابط با والدین و همگنان بوده، و علاقه‌مندی به همگان، در قالب «علقه‌های ایدئولوژیک» آموخته شده‌اند، که هدف‌های متفاوتی از هدف‌های خیرخواهی را دنبال می‌کنند. پیام‌های ایدئولوژیکی که فهم نشده و علقه‌هایی که درونی نشده‌اند.

این انشقاق در بُعد «تعالی خود» را شاید بتوان چنین تفسیر کرد که آموزه‌های ایدئولوژیکی نظام سیاسی موجود، تحول اخلاقی نوجوانان را زیر تأثیر خود قرار داده‌اند. به گونه‌ای که، نوجوانان از کنش ارزش‌های تعالی‌جویی در دو قلمرو مناسبات گسترده (جهان‌شمولی‌نگری) و روابط نزدیک (خیرخواهی) به ادراکی متجانس و پیوسته نائل نمی‌شوند.

تأثیر دیگر جو سیاسی دهه‌های اخیر ایران، بر درک و دریافت معانی ارزش‌های امنیت ملی و نظم اجتماعی است. فرض جابه‌جایی دو ارزش منفرد «امنیت ملی» و «نظم اجتماعی»، در هر سه نمونه ایرانی، به مانند نمونه‌های اروپای شرقی (باردی و شوارتز، ۱۹۹۶) تأیید شد. این دو ارزش به طور معمول در ریخت ارزشی «ایمنی» و در تضاد با ارزش‌های «جهان‌شمولی‌نگری» قرار می‌گیرند. اما، در نمونه بزرگسال ارزش «امنیت ملی» به ریخت «سنت»، و ارزش «نظم اجتماعی»، به ریخت «خیرخواهی» (محلی مصالحه‌آمیز بین دو ریخت «سنت» و «جهان‌شمولی‌نگری») و در نمونه جوانان و نوجوانان هر دو ارزش به ریخت «جهان‌شمولی‌نگری»، منتقل

عدالت‌خواهی (آرزوهای تحقق‌نیافته عدالت‌خواهی از دوران مشروطیت)، و دین‌خواهی انقلابی (ایدئولوژی اسلامی معارض و در نهایت حاکم بر انقلاب)، برای تبیین القای معنایی خاص به ارزش پیشرفت، مناسب باشد.

همانگونه که در استنتاج فرضیه‌ها بیان شد، ایدئولوژی انقلابی، تضاد نظری الهی-مادی را در آموزه‌های خود برجسته ساخته و مفهوم «پیشرفت و تعالی» و «پیشرفت و عدالت» را درهم آمیخته است. نگرش برخاسته و برجامانده از تعارض ارزش‌های پیشرفت‌طلبی، عدالت‌خواهی، و دین‌خواهی، در عبارات زیر بازگویی شده است:

«ما پیشرفت را با عدالت با هم آوردیم؛ یعنی درست نقطه مقابل آن چیزی که در دنیای مادی امروز مطرح است. آنها می‌گویند ما اگر بخواهیم در پیشرفت، رعایت این مسائل عدالتی را بکنیم، آن پیشرفت به دست نخواهد آمد، ... ما می‌گوییم نه، پیشرفت همراه با عدالت. در ذات این پیشرفت، عدالت بایستی ملحوظ شده باشد.» (مقام رهبری، ۱۳۸۸ ب).

اما، در ارزش‌های نوجوانان، برجسته‌ترین جابه‌جایی شکاف در دو ریخت ارزشی بُعد «تعالی خود» است. ریخت‌های «خیرخواهی» و «جهان‌شمولی‌نگری» از مجاورت هم دور شده‌اند و رابطه تعارضی دو قطب بُعد «تعالی خود» در برابر گسترش خود، در سازمان‌یافتگی ریخت‌های ارزشی نقض شده است. ریخت‌های «خیرخواهی» به‌وجه نامعمولی به ریخت «پیشرفت» نزدیک شده و ریخت «جهان‌شمولی‌نگری» هم‌جوار ریخت سنت و هم‌نوایی شده است.

در بُعد «تعالی خود» کانونی از ارزش‌های «اجتماعی-سیاسی» شکل گرفته است: الحاق ارزش‌های نظم اجتماعی، امنیت ملی به ارزش‌های صلح جهانی، عدالت اجتماعی، برابری (در ریخت جهان‌شمولی‌نگری)، به‌علاوه یاریگر (یک ارزش برجامانده از ریخت خیرخواهی) و هم‌جواری ارزش مؤمن (از ریخت سنت). تجمع ارزش‌هایی که وجه اجتماعی شدن ایدئولوژیکی نوجوانان را بازنمایی می‌کنند.

در بُعد «گسترش خود» کانونی از ارزش‌های «کارآمدی و محبوبیت» تشکیل شده است. ارزش‌های توانا و موفق (از ریخت پیشرفت) در مجاورت ارزش‌های مسؤولیت‌پذیر و وفادار

سوم نسبت به دهه اول پس از انقلاب (جدول ۶) بوده است؟ اگر چنین باشد، می‌توان این‌گونه تلقی کرد که، در خلال این دوران، به‌رغم حفظ تمایلات انقلابی‌گری (تجمع ارزش‌های سیاسی در جهان‌شمولی‌نگری)، آموزه‌های عدالت‌خواهی، برابرنگری و رواداری، با تأکید بیشتری اشاعه یافته و نفوذ داشته است.

تبیین دیگر اینکه: ممکن است این تغییر به دلیل همسازي متفاوت نسل جدید پس از انقلاب با صور ایدئولوژیکی باشد. چه، صور ایدئولوژیکی را البته می‌توان به چالش کشید، به جدل وادار کرد، یا آنها را از هم گسیخت، یا به بیان دقیق‌تر، به نقد کشید (تامپسون، ۱۹۹۱/۱۳۷۸). اما این تبیین با تفسیری که از انشقاق در بُعد ارزشی «تعالی‌خود» نوجوانان ارائه شد، مغایر است؛ تفسیری که در آن بر موضع منفعلانه نوجوانان و محدودیت تحول اخلاقی آنها تأکید شد. اما، اینکه واکنش نوجوانان را باید پذیرش منفعلانه صور ایدئولوژیکی قلمداد کرد، یا نشان از بی‌تفاوتی و بی‌علاقگی در درونی کردن فعال آموزه‌ها، هر دو حالت مشعر بر واقعیتی یکسان است: واداشته‌شده به تبعیت‌جویی و همشکلی‌طلبی.

به بیان اختصاصی‌تر، از تحلیل‌های ارائه‌شده می‌توان چنین نتیجه گرفت: جوانان و نوجوانان نسبت به بزرگسالان، در ضمن پذیرش منفعلانه ارزش‌های ایدئولوژیکی، مجموعه آموزه‌های قالبی ایدئولوژیک را بیشتر ذیل شعار عدالت‌خواهی معنا می‌کنند. همچنین، مقایسه نتایج نمونه‌های ایرانی با نمونه‌های اروپایی شرقی (باردی و شوارتز، ۱۹۹۶)، بیانگر آن است که در ملت‌هایی که دستخوش انقلاب‌های مردمی می‌شوند، تغییرات مشابهی در معانی برخی از ارزش‌ها روی می‌دهد.

جابه‌جایی دیگر، مربوط به ارزش منفرد «معتدل» است. ارزش معتدل به طور معمول در ریخت ارزشی «سنت» ظاهر می‌شود.

شده‌اند. دو ریختی که معرف ارزش‌های دینداری (سنت) و عدالت‌خواهی و برابری (جهان‌شمولی‌نگری) هستند.

هدف ارزش‌های ایمنی، از خلال کوشش در حفظ وضع موجود و حفظ امنیت و ثبات در جامعه بزرگ‌تر، در روابط با دیگران، و در محیط مادی بازنمایی می‌شود. ارزش‌های سنتی در سراسر جهان و در غالب موارد، شکل مراسم مذهبی، باورها، و هنجاری رفتار را به خود می‌گیرند و با پایبندی به آداب و رسوم و عقایدی که فرهنگ یا مذهب بر فرد تکلیف می‌کنند، مشخص می‌شوند.

این جابه‌جایی می‌تواند بدین معنا باشد که «امنیت ملی» و «نظم اجتماعی» در نمونه بزرگسالان ایرانی بیشتر از خلال درک نیاز به وحدت گروه و افراد بر حول دین‌مداری، انگیزه می‌شود، تا از خلال میل به حفظ انسجام گروه بر مبنای ملیت. به بیان دیگر «امنیت ملی» از قلمرو هویت ملی فاصله گرفته و بیشتر در فضای هویت دینی فهم و درک می‌شود.

این تغییر معنا می‌تواند به سبب اجتماعی شدن مذهبی، در چهارچوب یک ایدئولوژی دینی انقلابی باشد که بر اساس آن، افراد زیر تأثیر دیدگاه دوگانه‌نگر «کفر و ایمان»، و دیدگاه «جهادی» آمادگی دائم انقلابی برای رویارویی با دشمنان دین، ارزش «امنیت ملی» را بیشتر به منزله، دفاع از سرزمین ایمانی در برابر هجوم کفار، و حفظ ثبات سیاسی از خلال دفاع از ارزش‌های ایدئولوژیک دریافت می‌کنند. همچنین، مذهب از خلال فراهم کردن شالوده‌ای مقدس برای هنجارها و ساختار اجتماعی غالب، مفهوم «نظم اجتماعی» را ترغیب، و تردید و بدعت‌گذاری را ممانعت می‌کند.

اما، در تفاوت با نمونه بزرگسالان، در نمونه‌های جوانان و نوجوانان، ارزش‌های «امنیت ملی» و «نظم اجتماعی» از ریخت «ایمنی» به ریخت «جهان‌شمولی‌نگری» منتقل شده‌اند. آیا این جابه‌جایی، به سبب تغییر جو سیاسی-اجتماعی، دهه‌های دوم و

جدول ۶

دهه‌های تأثیرگذار سیاسی-اجتماعی بر سه نمونه پژوهش

نمونه بررسی	میانگین سن	دهه ۵۰	دهه ۶۰	دهه ۷۰	دهه ۸۰
بزرگسالان	۴۰	+	+		
جوانان	۲۳		+	+	
نوجوانان	۱۵			+	+

اما، در هر دو نمونه ایرانی به گونه‌ای نامتعارف در مجاورت ارزش‌های «جهان‌شمولی‌نگری» (دارای وسعت نظر، توازن درونی، خرد) ظاهر شده است. ارزش «معتدل» در فرهنگ‌های مختلف، به منزلهٔ یک ارزش سنتی بازشناسی می‌شود. ارزش‌های سنتی ارزش‌هایی محافظه‌کارانه‌اند که با پای‌بندی به آداب و رسوم و عقایدی که فرهنگ یا مذهب بر فرد تکلیف می‌کنند، مشخص می‌شوند. این ارزش‌ها بر حفظ وضع موجود تأکید و اعمال یا گرایش‌هایی را که می‌توانند انسجام گروه یا نظم سنتی را مخدوش کنند، تحدید می‌کنند. پس چگونه ارزش معتدل در ریختی ظاهر شده که قرار گرفتن در معرض شناخت و تصورات جدید (جهان‌شمولی‌نگری) را مورد تأیید قرار می‌دهد؟

این ممکن است متضمن این باشد که برای ایرانی‌ها، «معتدل» بیشتر از خلال درک نیاز به بقای گروه و افراد از طریق برقراری تماس تفاهم‌آمیز با کسانی خارج از گروه (جهان‌شمولی‌نگری)، انگیخته می‌شود، تا از خلال میل به پیروی از شیوه‌های سنتی رفتار برای حفظ انسجام گروه (سنت). به بیان دیگر «معتدل» به‌منزلهٔ ارزشی که به گروه‌های مذهبی انسجام می‌بخشد و بقای آن را ضمانت می‌کند، تلقی نمی‌شود و از مجموعه عقایدی که فرهنگ سنتی یا مذهب تکلیف می‌کند، بیرون رانده شده، و در همخوانی با ارزش‌های «جهان‌شمولی‌نگری» پذیرفته شده و ترجیحاً به‌معنای اتخاذ موضعی آشتی‌جویانه با افراد و گروه‌های دیگری است که اجتناب از کشمکش با آنها ضروری است.

این تغییر معنا می‌تواند تحت تأثیر آموزه‌های سیاسی رادیکال دهه‌های پیش از انقلاب نمودیافته و در تداوم آن، طی دههٔ اول انقلاب با حاکم شدن دیدگاه سیاسی انقلابیون اسلامی قوت گرفته باشد. انقلابیونی که وجه سیاسی مفهوم اعتدال را برجسته کرده و آن را معادل میانه‌روی سیاسی تلقی می‌کردند، نسبت به نیروها و گروه‌های سیاسی‌ای که در خط‌مشی خود ارزش‌های اسلامی و سیاست‌های معتدل و میانه‌روانه را تلفیق کرده بودند، با عنوان «لیبرال سازشکار» به دیدهٔ تحقیر می‌نگریستند.

این تبیین در تعارض با این تعبیر فرهنگی نیست، که

مفهوم معتدل، تحت تأثیر فرهنگ عرفانی، که اساس آموزه‌های اخلاقی و تربیتی آن بر رعایت اعتدال نهاده شده، شکل گرفته است. ته نشست این آموزه‌های عرفانی در فرهنگ عامه (ایرانی)، سهم قابل توجهی در معنابخشی به ارزش‌های اخلاقی ایفا می‌کند. بدین تعبیر، در دایرهٔ واژگان، معنای «معتدل» بیش از آنکه با آموزه‌های «شریعت‌مداری انقلابی»، همخوان باشد، با خاستگاه «عرفان جهان‌شمولی‌نگر»، مرتبط است.

در گروه زنان، نتایج بین بزرگسالان و جوانان، یکسان نیست، در زنان جوان ارزش معتدل ماهیت محافظه‌کارانه دارد. این بدین معناست که زنان کمتر در معرض جوّ سیاسی و آموزه‌های ایدئولوژیکی قرار داشته‌اند.

استنباط کلی از برجسته‌ترین نتایج به‌دست‌آمده را که بیانگر ویژگی‌های مختص به فرهنگ ارزش‌های ایرانیان است می‌توان چنین خلاصه کرد:

شرایط سیاسی-اجتماعی ایران طی ۵۰ سال اخیر، معانی برخی از ارزش‌ها را زیر تأثیر قرار داده است. همسازی با شرایط و قواعد یک جامعهٔ ایدئولوژیک، پیامدهای معمول برای ارزش‌ها را تغییر داده و به ساختار و معنای متفاوتی منجر شده است. آموزه‌های منشورهای ایدئولوژیکی، با همخوان کردن مفاهیمی چون «پیشرفت و عدالت اجتماعی»، «صیانت از کشور با عرق دینی»، و «اسلام راستین و انقلابی‌گری»، رابطهٔ پوششی ابعاد مرتبهٔ بالاتر «تعالی خود» و «گسترش خود» را برهم زده، چه پیشرفت از معنای متداول خود دور شده، و با معانی ارتقای صلاحیت‌های شخصی و عدالت اجتماعی درهم آمیخته است. همچون نمونه‌های اروپای شرقی، در نمونه‌های ایرانی نیز، در بُعد «تعالی خود» کانونی از ارزش‌های اجتماعی-سیاسی شکل گرفته است: امنیت ملی، نظم اجتماعی، عدالت و برابری، به‌علاوهٔ مؤمن. ارزش «معتدل» از مجموعه ارزش‌های سنت و مذهب بیرون رانده شده است، چه اعتدال تهدیدی برای انسجام گروه‌های انقلابی است که از سوی خط‌مشی‌های لیبرال (میانه‌رو) تهدید می‌شوند. در تحلیل تأثیرهای افتراقی جوّ سیاسی-اجتماعی بر ارزش‌های نسل‌های جوان‌تر (نوجوانان) نسبت به بزرگسالان، نکته شایان توجه،

انتشارات قلم.

مقام رهبری. (۱۳۸۶). بیانات مقام رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور. امور تدوین الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت (دبیرخانه).

<http://www.spac.ir/portal/Home/Default.aspx?CategoryID=b458f275-5420-43f2-ba5d-7c83e493bb77#>

مقام رهبری. (۱۳۸۸الف). بیانات مقام رهبری در دیدار استادان و دانشجویان کردستان. پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور. امور تدوین الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت (دبیرخانه).

<http://www.spac.ir/portal/Home/Default.aspx?CategoryID=b458f275-5420-43f2-ba5d-7c83e493bb77#>

مقام رهبری. (۱۳۸۸ب). بیانات مقام رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت. پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور. امور تدوین الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت (دبیرخانه).

<http://www.spac.ir/portal/Home/Default.aspx?CategoryID=b458f275-5420-43f2-ba5d-7c83e493bb77#>

Bamberg, S., Herrmann, J., Kynast, S., & Schmidt, P. (2001). *Portrait Values Questionnaire-Ein neues Instrument zur Messung von Schwartz Theorie grundlegender menschlicher Werte.* Paper submitted for publication, Universität Giessen, Germany.

Bardi, A., & Schwartz, S. H. (1996). Relations among socio-political values in Eastern Europe: Effects of the communist experience? *Political Psychology, 17*, 525-549.

Berry, J. W. (2000). Cross-cultural psychology: A symbiosis of cultural and comparative approaches. *Asian Journal of Social Psychology, 3*, 197-205.

Bilsky, W., Janik, M., & Schwartz, S. H. (2011). The structural organization of human values-Evidence from three rounds of the European Social Survey (ESS). *Journal of Cross-Cultural Psychology,*

انشقاق در بُعد «تعالی خود» است. نوجوانان از کنش ارزش‌های تعالی‌جویی در دو قلمرو مناسبات گسترده (جهان‌شمولی‌نگری) و روابط نزدیک (خیرخواهی) به ادراکی متجانس و پیوسته نائل نمی‌شوند. این تشتت را ممکن است چنین تفسیر کرد که، نوجوانان به‌گونه فزاینده‌ای در معرض آموزه‌های قالبی قرار گرفته‌اند، که آنها را از فرصت تجربه‌های شخصی برای نایل شدن به خودپیروی اخلاقی محروم کرده است. خودپیروی اخلاقی که خاستگاه جهت‌گیری دیگردوستانه برای فراتر رفتن از جمع همگنان برای قرار گرفتن به عنوان یک فرد برابر در بین همگان است.

محدودیت مطالعه حاضر مشهود است: همچون هر پژوهش زمینه‌یابی، نیاز به تأیید مجدد یافته‌ها با نمونه‌های جامع‌تر وجود دارد. همچنین، با اتخاذ روی‌آورد‌های جامعه‌شناختی می‌توان یافته‌های تکمیلی را انتظار داشت، که به رویت ابعاد فرهنگی ارزش‌های ایرانیان وضوح بیشتری ببخشد.

منابع

آبراهامیان، ی. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر.* ترجمه ا. گل محمدی، م. ا. فتاحی ولیلایی. تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۸۲).

آدمیت، ف. (۱۳۵۱). *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار.* تهران: انتشارات خوارزمی.

تامپسون، ج. ب. (۱۳۷۸). *ایدئولوژی و فرهنگ مدرن: نظریه اجتماعی انتقادی در عصر ارتباطات توده‌گیر.* ترجمه م. اوحدی. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان. (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۹۱).

دلخموش، م. ت. (۱۳۸۴). شناسایی محتوا و ساختار ارزش‌های انسانی در دانشجویان ایرانی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۵*، ۳۴-۱۵.

دلخموش، م. ت. (۱۳۸۵). سلسله مراتب ارزشی در دانشجویان ایرانی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۸*، ۳۱۸-۲۹۹.

دلخموش، م. ت. و احمدی مبارکه، م. (۱۳۹۰). محتوا و ساختار ارزش‌ها در نوجوانان ایرانی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۲۹*، ۲۵-۵.

شریعتی، علی. (۱۳۶۱). حسین وارث آدم. مجموعه آثار: ۱۹. تهران:

- combine values in the Schwartz' Human Values Scale? A comment on the Davidov studies. *Survey Research Methods* 3, 91-103.
- Maio, G. R., Olson, J. M., Bernard, M. M., & Luke, M. A. (2003).** Ideologies, values, attitudes, and behavior. In J. Delamater (Ed.), *Handbook of social psychology* (pp. 283-308). New York: Kluwer-Plenum.
- Mannheim, K. (1952).** The problem of generations. In K. Mannheim (Ed.), *Essays on the sociology of knowledge* (pp. 276-322). London: Routledge & Kegan Paul.
- Menezes, I., & Campos, B. P. (1997).** The process of value-meaning construction: A cross-sectional study. *European Journal of Social Psychology*, 27, 55-73.
- Perrinjaquet, A., Furrer, O., Usunier, J. C., Cestre, G., & Valette- Florence, P. (2007).** A test of the quasi-circumplex structure of human values. *Journal of Research in Personality*, 41(4), 820-840.
- Piaget, J. (1965).** *The moral judgement of the child*. New York: Free Press.
- Piaget, J. (1972).** Intellectual evolution from adolescence to adulthood. *Human Development*, 15, 1-12.
- Prince-Gibson, E., & Schwartz, S. H. (1998).** Value priorities and gender. *Social Psychology Quarterly*, 61, 49-67.
- Rokeach, M. (1973).** *The nature of human values*. New York: Free Press.
- Schwartz, S. H. (1992).** Universals in the content and structure of values. In M. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology*, (Vol. 25, pp. 1-65). New York: Academic Press.
- Schwartz, S. H. (1994).** Are there universal aspects in the structure and contents of human values? *Journal of Personality and Social Psychology*, 67(5), 759-776.
- Coleman, J. S. (1961).** *The adolescent society: The social life of the teenager and its impact on education*. New York: The Free Press.
- Cieciuch, J., & Davidov, E. (2012).** A comparison of the invariance properties of the PVQ-40 and the PVQ-21 to measure human values across German and Polish Samples. *Survey Research Methods*, 6(1), 37-48.
- Davidov, E., Schmidt, P., & Schwartz, H. (2008).** Bringing values back in the adequacy of the European Social Survey (ESS) to measure values in 20 countries. *Public Opinion Quarterly*, 72(3), 420-445.
- Fontaine, J., Poortinga, Y., Delbeke, L., & Schwartz, S. (2008).** Structural equivalence of the value domain across cultures: Distinguishing sampling fluctuations from meaningful variation. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 39(4), 345-365.
- Geertz, C. (1973).** Thick description: Toward an interpretive theory of culture. In: C. Geertz. *The interpretation of cultures*. NY: Basic Books, p. 5.
- Herskovits, M. J. (1955).** *Cultural anthropology*. New York: Knopf.
- Hinz, A., Braehler, E., Schmidt, P., & Albani, C. (2005).** Investigating the circumplex structure of the Portrait Values Questionnaire (PVQ). *Journal of Individual Differences*, 26(4), 185-193.
- Hofstede, G. (1980).** *Culture's consequences: International differences in work-related values*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Hofstede, G. (1991).** *Cultures and organization: Software of the mind*. London: Macmillan.
- Knoppen, D., & Saris, W. (2009).** Do we have to

- Social Psychology Quarterly*, 58, 88-107.
- Schwartz, S. H., Melech, G., Lehmann, A., Burgess, S., Harris, M., & Owens, V. (2001).** Extending the cross-cultural validity of the theory of basic human values with a different method of measurement. *Journal of Cross Cultural Psychology*, 32, 519-542.
- Schwartz, S. H. & Ros, M. (1995).** Values in the west: A theoretical and empirical challenge to the individualism-collectivism cultural dimension. *World Psychology*, 1, 99-122.
- Schwartz, S., & Rubel-Lifschitz, T. (2009).** Cross-national variation in the size of sex differences in values: Effect of gender equality. *Journal of Personality and Social Psychology*, 97(1), 171-185.
- Schwartz, S. H., & Sagiv, L. (1995).** Identifying culture-specifics in the content and structure of values. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 26, 92-116.
- Selman, R. L. (1980).** *The growth of interpersonal understanding*. New York: Academic Press.
- Steinmetz, H., Schmidt, P., Tina-Booh, A., Wieczorek, S., & Schwartz, S. H. (2009).** Testing measurement invariance using multigroup CFA: Differences between educational groups in human values measurement. *Quality and Quantity*, 43, 599-616.
- Struch, N., Schwartz, S. H., & Van Der Kloot, W. A. (2002).** Meanings of basic values for women and men: A cross-cultural analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28, 16-28.
- Vecchione, M., Casconi, T., & Barbaranelli, C. (2009).** Assessing the circular structure of the Portrait Values Questionnaire: A confirmatory factor analysis approach. *European Journal of Psychological Assessment*, 25, 231-238.
- Journal of Social Issues*, 50(4), 19-45.
- Schwartz, S. H. (1997).** Values and culture. In D. Munro, S. Carr, & J. Schumaker (Eds.), *Motivation and culture* (pp. 69-84). New York: Routledge.
- Schwartz, S. H. (2005a).** Basic human values: Their content and structure across countries. In A. Tamayo & J. B. Porto (Eds.), *Valores e comportamento nas organizacoes* (pp. 21-55). Petrópolis, Brazil: Vozes.
- Schwartz, S. H. (2005b).** Robustness and fruitfulness of a theory of universals in individual values. In A. Tamayo & J. B. Porto (Eds.), *Valores e comportamento nas organizações [Values and behavior in organizations]* (pp. 56-95). Petrópolis, Brazil: Vozes. [Dispatched by the author].
- Schwartz, S. (2006).** Basic human values: Theory, measurement, and applications. *Revue Française de Sociologie*, 47(4), 929-968.
- Schwartz, S. H., & Bardi, A. (1997).** Influences of adaptation to communist rule on value priorities in eastern Europe. *Political Psychology*, 18, 385-410.
- Schwartz, S. H., & Bardi, A. (2001).** Value hierarchies across cultures: Taking a similarities perspective. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32, 268-290.
- Schwartz, S. H., & Boehnke, K. (2004).** Evaluating the structure of human values with confirmatory factor analysis. *Journal of Research in Personality*, 38, 230-255.
- Schwartz, S. H., Caprara, G. V., & Vecchione, M. (2010).** Basic personal values, core political values, and voting: A longitudinal study. *Political Psychology*, 31, 421-452.
- Schwartz, S. H., & Huismans, S. (1995).** Value priorities and religiosity in four Western religions.